

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱ .....	مقدمه
۵ .....	فصل اوّل : مفاهیم پیشینه تحقیق و تشریفات صدور رأی وحدت رویه دیوانعالی کشور .....
۷ .....	مبحث اوّل : مفاهیم و پیشینه .....
۷ .....	گفتار اوّل : مفاهیم مرتبط با موضوع .....
۱۸ .....	مبحث دوّم : تشریفات صدور رأی وحدت رویه .....
۱۸ .....	گفتار اوّل : مقامات درخواست کننده .....
۱۸ .....	گفتار دوّم : نحوه تشکیل جلسه ، ترکیب اعضاء و چگونگی طرح بحث رأی گیری .....
۲۲ .....	فصل دوّم : تفسیر رأی وحدت رویه و چگونگی حاکمیت آن در مقام تعارض با سایر منابع قانونی .....
۲۳ .....	مبحث اوّل : تفسیر آرای وحدت رویه .....
۲۳ .....	گفتار اوّل : انواع تفسیر قوانین و آرای قضایی .....
۲۸ .....	گفتار دوّم : تفسیر آرای وحدت رویه .....
۳۲ .....	مبحث دوّم : تعارض و نسخ آرای وحدت رویه .....
۳۳ .....	گفتار اوّل : تعارض رأی وحدت رویه با قانون و آیین نامه .....
۴۰ .....	گفتار دوّم : تعارض و نسخ رأی وحدت رویه دیوانعالی کشور توسط آرای قضایی .....
۵۰ .....	گفتار سوّم : تعارض رأی وحدت رویه دیوانعالی کشور و دیوان عدالت اداری .....
	<b>فصل سوّم : گستره و قلمرو رأی وحدت رویه دیوانعالی کشور در امور مدنی</b>
۵۴ .....	
۵۶ .....	مبحث اوّل : گستره رأی وحدت رویه و اصول حاکم بر آن .....
۵۶ .....	گفتار اوّل : گستره رأی وحدت رویه .....
۶۰ .....	گفتار دوّم : اصول حاکم بر رأی وحدت رویه .....

٦٨	.....مبحث دوّم : قلمرو حاکمیت رأی وحدت رویه
٦٩	.....گفتار اوّل : قلمرو حاکمیت زمان
٧٠	.....گفتار دوّم : قلمرو حاکمیت مکانی
٧٤	.....نتیجه گیری و پیشنهادات
٧٧	.....فهرست منابع و مآخذ
أ	.....ضمائم

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.

## مقدمه

در طلیعه آفرینش انسان، جامعه ای متحد و متفق که امت واحده ای را تشکیل می دادند پدیدار شد. در اجتماع بدوی بشر، اختلاف در امور دنیوی و تضاد اندیشه و عقاید وجود نداشت لیکن با گسترش تدریجی جامعه انسانی، تضاد و تعارض بین انسان ها در بهره برداری از منافع مادی حیات ایجاد شد. در همین مرحله بشر احساس کرد نیازمند مجموعه قواعد و قوانین صحیحی است که بتواند این اختلاف طبیعی را مرتفع کند و راه سعادت و کمال انسانی را ظاهر سازد. وقتی دولت ها (بر مبنای قرارداد اجتماعی فرضی بین مردم) تشکیل شدند و به مرور تکامل یافتند بر اساس ایده تفکیک قوا، تلاش نمودند که حوزه های فعالیت خود را تقسیم و امور جاری کشور را به طور مطلوب اداره نمایند. بنابراین عموماً بر اساس ماهیت وظایف خود سه قوه را بوجود آورده و وظایفی را به آنها سپردند. یکی از مهمترین قوای حاکم در کشور قوه قضائیه می باشد. در جمهوری اسلامی ایران این قوه وظایف متعدد و مختلفی را به عهده دارد که مهمترین آنها در کارکرد محاکم یعنی تعقیب جرایم و به کیفری رساندن مجرمین از یک سو و فصل خصومت بین اشخاص از دیگر سو خلاصه می شود. از آنجایی که کشور ایران جزء کشورهای دارای حقوق نوشته می باشد، محاکم مکلفند با استناد به مواد قانونی و یا مستندات دیگری که یا منبعث از قانون هستند یا مکمل آن به صدور حکم بپردازند. در این میان آنچه که بیش از پیش حائز اهمیت است نظارت فنی و قضایی بر جریان امور قضایی و جلوگیری از تشننت یا تهافت آراء می باشد. لازمه جلوگیری از چنین امری، نظارت مستمر و عالی در بالاترین سطح قوه قضائیه می باشد. این وظیفه هم اکنون بر عهده دیوان عالی کشور می باشد و این نهاد با ابزارهای مختلفی که بر عهده دارد از روش های مختلف تلاش می نماید که رویه قضایی بر اساس قانون و منطبق بر اصول حقوقی مستقر گردد.

## ۱- بیان مسئله تحقیق

یکی از ابزارهای مهم دیوان عالی کشور ایران برای نیل به هدف های مقرر قانونی اش، اختیار صدور آرای وحدت رویه می باشد. ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ اشعار می دارد: «هرگاه در شعب دیوان عالی کشور و یا هر یک از دادگاه ها نسبت به موارد مشابه اعم از حقوقی، کیفری و امور حسبی با استنباط از قوانین آرای مختلفی صادر شود رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور به هر طریقی که آگاه شوند، مکلفند نظر هیأت عمومی دیوان عالی کشور را به منظور ایجاد وحدت رویه درخواست کنند. همچنین هر یک از قضات شعب دیوان عالی کشور یا دادگاه ها نیز می توانند با ذکر دلایل از طریق رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور نظر هیأت عمومی را در خصوص موضوع کسب کنند. هیأت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست رئیس دیوان عالی یا معاون وی و با حضور دادستان کل کشور یا نماینده او و حداقل سه چهارم رؤسا و مستشاران و اعضای معاون کلیه شعب تشکیل می شود تا موضوع مورد اختلاف را بررسی و نسبت به آن اتخاذ تصمیم نماید. رأی اکثریت که مطابق

موازن شرعي باشد ملاك عمل خواهد بود. آراي هیأت عمومي ديوان عالي کشور نسبت به احکام قطعي شده بي اثر است ولي در موارد مشابه تبعیت از آن براي شعب ديوان عالي کشور و دادگاهها لازم مي باشد.» آراي هیئت عمومي ديوان عالي کشور داري اعتبار قانوني نسبتاً کمايلي است زیرا اين آراء قابل تجديد نظر نبوده و فقط به موجب قانون بي اثر مي شوند. (ماده ۲۷۱ قانون مذکور) آنچه که در بادي امر به ذهن خطور مي کند اين است که با وجود نهاد قانونگذاري و صلاحیت فراگیر آن، چه نيازي به پيش بيني صدور راي وحدت رویه توسط هیئت عمومي ديوان مي باشد؟ در پاسخ بايد بيان نمود که اولاً صدور آراي وحدت رویه ديوان عالي کشور در موارد استثنائي و عموماً به صورت موضوعي صورت مي پذيرد. ثانياً متعاقب قانونگذاري و در مقام انشاي راي قضايي و جلوگیری از رویه هاي مشتت صادر مي گردد و ثالثاً ديوان عالي کشور نهادي نظارتي است و يکي از ابزارهاي نهادهاي نظارتي داشتن اختيار عمل در ابطال مصوبات و احکام و يا تائيد مصوبات و احکام نهادهاي زیر دست مي باشد. ديوان عالي کشور نیز براي اعمال حق نظارتي خود ناگزير از تصميم گيري و انتخاب نظر و رویه قانوني مطلوب مي باشد. در اين تحقيق که به روش توصيفي و تحليلي و بر مبناي مطالعه کتابخانه اي انجام مي گيرد، درصدد بررسی مفاهيم مرتبط با تحقيق، پيشينه صدور آراي وحدت رویه، قبل از انقلاب و بعد از آن و همچنين تشریفات صدور راي وحدت رویه مي باشيم. همچنين در خصوص گستره صدور اين آراء و آثار و نتايج آن نیز به تحليل مي پردازيم تا از اين طريق ضمن تبیین موضوع، افق هاي روشن تري فرا روي جامعه حقوقي کشور گشوده شود.

## ۲- سوالات تحقيق

الف) رویه قضايي به چه معني است و حدود حاکمیت آن تا کجاست؟  
ب) آراي وحدت رویه در چه مواردی صادر مي گردند و در صورت تعارض احتمالي آنها با منابع قانون به چه صورتی رفع تعارض مي گردد؟

## ۳- فرضيات تحقيق

الف) رویه قضايي داراي دو معنای عام و خاص مي باشد. منظور از رویه قضايي به معنای عام مجموعه شیوه ها و روش هاي الزام آور و غيرالزام آوري است که در محاکم جهت رسیدگی و اجراي احکام وجود دارد. رویه قضايي به معنای خاص شامل آراء وحدت رویه ديوان عالي کشور است که طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسي کيفري مصوب ۱۳۷۸ در موارد مشابه براي محاکم به عنوان آراء وحدت رویه لازم الاتباع است.  
ب) آراي وحدت رویه در صورت متهافت بودن آراي محاکم در موارد مشابه صادر مي گردند) استثنائي بودن صدور راي وحدت رویه) و در صورت تعارض احتمالي آنها با ساير منابع، به شیوه رفع تعارض منابع قانوني با یکدیگر عمل مي گردد.

#### ۴- روش تحقیق

از جهت گردآوری و تحصیل اطلاعات، روش کتابخانه ای است و اطلاعات مورد نظر از منابع کتابخانه ای (کتاب ها، مقاله ها، رساله ها، پایان نامه ها و...) به صورت فیش برداری تهیه و در مرحله نگارش مورد استفاده قرار می گیرد و از جهت تدوین و تحلیل اطلاعات، روش تحلیلی و استنباطی است که اطلاعات گردآوری شده مورد تحلیل و بررسی قرار داده خواهد شد.

#### ۵- پیشینه تحقیق و ضرورت انجام آن

در خصوص مسائل مرتبط با موضوع پایان نامه حاضر، نظیر اعتبار امر قضاوت شده، تفسیر قضایی، رویه قضایی تحقیقاتی در قالب کتاب، مقاله و پایان نامه انجام پذیرفته است که به آنها در فهرست منابع بیان گردیده است اما موضوع حاضر تا کنون به صورت جامع و مستقل مورد بررسی قرار نگرفته و از این رو به جهت اقتضای شغلی خود که عموماً شاهد اختلافات و ارائه نظریات مختلف در رابطه با موضوع حدود حاکمیت آرای وحدت رویه می باشم، ضرورت انجام تحقیق پیرامون آن را احساس نمودم؛ بدین جهت با ارائه موضوع و تصویب آن در اداره تحصیلات تکمیلی دانشگاه و با مشورت اساتید محترم راهنما و مشاور و بهره گیری از نظریات سایر حقوقدانان به بررسی موضوع حدود حاکمیت آرای وحدت رویه دیوانعالی کشور در امور مدنی پرداختم.

#### ۶- اهداف تحقیق

الف) شناسایی موارد صدور رای وحدت رویه و حدود حاکمیت آن از جهت زمانی و مکانی.  
ب) ارائه روش های منطقی برای رفع تعارض احتمالی آرای وحدت رویه با سایر منابع قانونی.

#### ۷- کاربردهای تحقیق

تحقیق حاضر می تواند در بررسی و بهره برداری قضایی در خصوص حدود حاکمیت آرای وحدت رویه دیوانعالی کشور در امور مدنی برای جامعه حقوقی کاربردهای عملی و علمی داشته باشد.

#### ۸- مشکلات تحقیق

مهمترین مشکل تحقیق در خصوص حدود حاکمیت آرای وحدت رویه دیوانعالی کشور در امور مدنی کمبود منابع معتبر نوشتاری بوده است. از این رو برای رفع نقص مذکور با مراجعه حضوری به نظریات برخی از قضات عالی رتبه دیوان و حقوقدانان دست یافته و بر آن اساس حدود بحث را گسترده تر و مبانی آن را تقویت نمودم.

## ۹-سازماندهی تحقیق

این تحقیق در یک مقدمه و سه فصل تنظیم و تدوین گردیده است. در مقدمه تحقیق به بیان مساله، سوالات، فرضیات، روش تحقیق، اهداف مشکلات، کاربردها و ساختار تحقیق پرداخته شده است، در فصل اول به منظور ورود به مقوله اصلی تحقیق لاجرم مفاهیم و پیشینه و تشریفات صدور رای وحدت رویه را مورد بررسی قرار دادیم تا قبل از شروع تخصصی به موضوع، با مفهوم و تاریخچه و روند قانونی صدور رای وحدت رویه دیوان عالی کشور که بحث اصلی تحقیق ما حول محور آن است آشنا شویم، سپس در فصل دوم به موضوعات تفسیر و تعارض رای وحدت رویه دیوان عالی کشور با سایر منابع قانونی که جزو ارکان و شیرازه تحقیق ماست پرداخته ایم چرا که بدون طرح این مباحث عملاً امکان ورود به مقوله حدود حاکمیت رای وحدت رویه میسر نیست و در فصل سوم به صورت تخصصی به موضوع تحقیق پرداخته ایم و گستره و قلمرو رای وحدت رویه دیوان عالی کشور در امور مدنی و کاربرد آن مورد بحث و بررسی قرار گرفته، در پایان نیز با نتیجه گیری، پیشنهادات، فهرست منابع و ماخذ تحقیق ارائه شده است.

فصل اول  
مفاهيم، پيشينه و تشریفات صدور رای وحدت رویه دیوان  
عالی کشور



نظام های حقوقی جهان را به دو دسته بزرگ تقسیم می کنند: نظام حقوقی کامن لا و نظام حقوق نوشته (رومی- ژرمنی یا نظام مدنی). «نظام حقوقی کامن لا» ریشه در انگلستان دارد و شروع آن به زمان تصرف این سرزمین توسط نورماندی ها در سال ۱۰۶۶ میلادی بر می گردد. این نظام در این کشور ظهور، رشد و توسعه پیدا کرده و به مستعمرات آن نیز تسری یافته است. این نظام را نظام حقوقی نانوخته نیز می گویند. عالی ترین منبع حقوق در آن مصوبات مجلس نیست، بلکه عرف است که در تصمیمات قضات دادگاه ها منعکس می شود. «نظام حقوقی نوشته» نیز ریشه در روم دارد که با نوشتن قوانین مدنی در آن توسعه یافت. در این نظام منبع اصلی حقوق قانون است.<sup>۱</sup> از دیرباز در نظام های حقوقی مبتنی بر «حقوق نوشته» نقش رویه قضایی به عنوان یک منبع حقوقی همواره مورد بحث و موجب افتراق بین نظام مذکور از نظام حقوقی مبتنی بر حقوق عرفی بوده و هست. حقوق داخلی نیز از این قاعده مستثنا نشده است. برخی آن را سازنده و موجد قاعده حقوقی می دانند و بدین منظور از اصول ۱۶۷ و ۷۳ قانون اساسی استمداد می جویند پاره ای دیگر از حقوقدانان منکر نقش خلاق رویه قضایی (اعم از عام و خاص) هستند اینان نظر خود را با توسل به

---

<sup>۱</sup> - نظام حقوقی رومی-ژرمنی خانواده ای از نظام های حقوقی است که در درجه اول بر پایه حقوق روم شکل گرفته و مهمترین ویژگی آن نقش عمده قانون و تدوین مجموعه قوانین است که منبع اصلی آن به شمار می روند، به همین جهت به حقوق مدون و حقوق نوشته نیز شهرت دارد. قواعد حقوقی در این نظام به عنوان قواعد کلی رفتارهای اجتماعی و انسانی تلقی شده و در ارتباط نزدیک با عدالت و اخلاق است. این حقوق به طور تاریخی برای تنظیم روابط خصوصی بین افراد ایجاد شده و حقوق مدنی در آن پیش از همه پدید آمده و بیش از بخش های دیگر گسترش داشته از همین رو در زبان انگلیسی آن را «حقوق مدنی» (Civil law) نیز می نامند. از آنجا که شکل گیری قواعد این نظام حقوقی بیشتر در دانشگاه های کشورهای لاتینی و ژرمنی اروپا صورت گرفته آن را «رومی-ژرمنی» و با توجه به نقش اساسی حقوق روم در آن حقوق رومانیستی هم می نامند، هرچند باید توجه داشت نظام های حقوقی امروزیین پیرو این خانواده تفاوت های فاحش با حقوق روم دارند. حقوق رومی-ژرمنی بر اثر استعمار به بسیاری از کشورهای جهان وارد شده و علاوه بر آن بسیاری از کشورهای دیگر هم به پذیرش ارادی آن اقدام کرده اند. در نتیجه سرزمین های بسیار وسیعی امروزه بر پایه این نظام حقوقی اداره می شوند. ر.ک: رنه؛ ژوفره و اسپینوزی، کامی، درآمدی بر حقوق تطبیقی و دو نظام بزرگ حقوقی معاصر. ترجمه سید حسین صفایی. چاپ ششم، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۴.

اصل ۵۷ قانون اساسی و نیز مواد ۵ و ۱۹۸ قانون آئین دادرسی مدنی استحکام می‌بخشند.<sup>۱</sup> در نظام های حقوق نوشته، رویه قضایی نقطه تبلور حقوق است. رویه قضایی به قانون عینیت می‌بخشد، به آن تحرك می‌دهد، نقاط ضعف، شدت و نارسایی آن را برطرف کرده، با نیارهای اجتماعی منطبق می‌سازد، موجب نشو و نما، تکامل و تحول قوانین و نیز سایر منابع حقوق گردیده و معیار خوبی است برای سنجش عدالت و سرانجام انعکاسی است از اخلاق و تمدن يك ملت. رویه قضایی است که مسیر حرکت تحولات فکری را معین می‌کند و راه‌گشای رفع معضلات اجتماعی است. رویه قضایی آسانتر از قواعد قانونی از مرزها عبور می‌کند. امروزه رویه قضایی سهم بزرگی در شکل‌گیری حقوق دارد و بررسی و به عنوان يك ضرورت مطرح است، به طوری که شناخت حقوق موضوعه بدون توجه به رویه قضایی غیر ممکن است. امروزه، بعضی از رشته‌های حقوق اساساً رویه‌ای است.<sup>۲</sup> در این فصل به بررسی مباحث ذیل می‌پردازیم؛

مبحث اول: مفاهیم و پیشینه

مبحث دوم: ویژگی‌ها و تشریفات صدور رای وحدت رویه

### ۱-۱-۱. مبحث اول: مفاهیم و پیشینه

یکی از موضوع‌های مهم هر تحقیق مباحث مربوط به مفاهیم می‌باشد. مفاهیم اصلی هر تحقیق قلمرو و گستره موضوعی آن پژوهش را مشخص نموده و از این رو به مثابه خط سیر و نقشه راه محقق می‌باشند. به همین جهت در این تحقیق مفاهیم ذیل بعنوان واژگان کلیدی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و در ادامه مبحث نیز به بررسی پیشینه موضوع می‌پردازیم؛

#### ۱-۱-۱-۱. گفتار اول: مفاهیم مرتبط با موضوع

##### ۱-۱-۱-۱-۱. رویه قضایی

یکی از مهمترین منابع ارشادی در حقوق رویه قضایی می‌باشد. منظور از رویه قضایی مجموعه شیوه‌ها و روش‌های الزام‌آور و غیرالزام‌آوری است که در محاکم جهت رسیدگی به پرونده و پی‌گیری امر تعقیب، تحقیق و رسیدگی و اجرای احکام وجود دارد. در حقوق جزا با وجود اصل قانونی بودن جرم و مجازات، رویه قضایی فاقد نقش‌آفریننده‌ای است که در سایر رشته‌های حقوقی دارد. با این وجود به علت تنوع و تفاوت وقایع حقوقی و موارد قانونی، رویه قضایی دارای نقش ارشادی بوده و در مجموعه‌های حقوق بسیاری از کشورها در ذیل هر ماده قانونی، رویه قضایی مربوطه به تفصیل ذکر می‌شود تا راهنمایی برای شناختن مصادیق هر ماده باشد. رویه قضایی در معنی عام شامل مجموع آراء و احکامی است که در موضوع خاصی، از طرف دادگاه‌ها

<sup>۱</sup> - [www.tebyan.gov.com](http://www.tebyan.gov.com)

<sup>۲</sup> - به عنوان مثال مسوولیت مدنی و حقوق بین الملل خصوصی در حقوق فرانسه اساساً مبتنی بر رویه است.

صادر گردیده است. اعتبار حکم و رای هر دعوی مربوط به اصحاب همان دعوی است و قانونا هیچ دادگاهی نمی تواند برای دادگاهی دیگر قاعده حقوقی به وجود آورد. آنچه از نظر رویه قضایی دارای نهایت اهمیت است بیان اسباب و جهات رای و حکم است. در این قسمت دادگاه ها دلایل ارائه شده را بررسی و ارزشیابی نموده و ضمن مواد قانونی و آنچه را که برای نتیجه گیری ضروری است قید می نماید. یکی از نویسندگان حقوقی در این ارتباط می نویسد: «در این قسمت از حکم است که دادگاهها نظریات خود را در مورد استنباط از قوانین اعلام داشته و دیوان عالی کشور نیز در صورت صحت آن را تایید می نماید.»<sup>۱</sup> آرای صادر شده از سوی هیات عمومی اصراری حقوقی یا کیفری دیوان عالی کشور که بر حسب مورد متشکل از قضات حقوقی یا کیفری است نیز به عنوان یک نظر مشورتی برای کلیه محاکم دادگستری قابل استفاده است و در حل مشکلات قضایی غالبا راهگشا می باشد. در صورتی که آراء و احکام قضایی منتشر می گردید و قضات، حقوقدانان، وکلا و دانشجویان حقوق به تفسیر و تجزیه و تحلیل آراء و احکام صادره می پرداختند. رویه قضایی از اعتبار بیشتری برخوردار می شد و می توانست به نحو موثر تری به عنوان منبع مهم ارشادی به حساب آید. باید افزود که رویه قضایی به معنی خاص شامل آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور است که طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ برای محاکم به عنوان آراء وحدت رویه لازم الاتباع است.

#### ۱-۱-۲. دیوانعالی کشور

دیوان عالی کشور ایران، عالی ترین مرجع قضایی کشور است و ناظر بر حسن اجرای قوانین در محاکم، ایجاد وحدت رویه قضایی و مرجع تجدید نظر احکام صادره محاکم نظامی و احکام دادگاههای کیفری استان می باشد. علاوه بر این، برابر اصل ۱۱۰ قانون اساسی، دیوانعالی کشور صلاحیت رسیدگی به تخلفات رئیس جمهور از وظائف قانونی را دارد. مقر اصلی این دیوان در شهر تهران و دارای شعب متعدد است، رئیس قوه قضائیه لای الاقتضا میتواند شعبی در شهرسنانها تاسیس نماید. هر شعبه دیوان با دو قاضی (یک رئیس و یک مستشار) تشکیل می شود و می تواند یک عضو معاون داشته باشد که در صورت لزوم وظائف هر یک از دو عضو شعبه را عهده دار می شود. حق انشا رای با رئیس و مستشار است. در کنار دیوانعالی کشور دادسرای دیوانعالی کشور یا دادستانی کل کشور متشکل از رئیس (دادستان کل کشور) و معاونان اول و دوم و تعدادی دادیار است که در معیت دیوانعالی کشور انجام وظیفه می نماید.

ریاست دیوانعالی کشور به عهده رئیس شعبه اول است و پرونده ها به دستور او به شعب دیگر ارجاع می شود. وی می تواند اختیارات خود را در خصوص ارجاع پرونده ها و ریاست جلسات هیات عمومی به رئیس یکی از شعب دیگر و یا معاون قضایی خود محول نماید. هر یک از اعضای

<sup>۱</sup> - محسنی، دوره حقوق جزای عمومی، ۵۳/۱

شعب دیوانعالی کشور موظف است پرونده ارجاعی را با حفظ نوبت و کمال دقت مطالعه و بررسی نموده، پس از مشاوره کافی اظهار نظر نماید. پرونده ها به نوبت رسیدگی می شود، مگر در موارد فوری که به تشخیص رئیس، رسیدگی خارج از نوبت به عمل خواهد آمد. اصحاب دعوی و یا وکلای آنان برای رسیدگی احضار نمی شوند، مگر آنکه شعبه دیوانعالی کشور حضور آنان را برای ادای توضیحات لازم بداند که در این صورت کسانی که حضورشان لازم است احضار می گردند و پس از استماع توضیحات آنها و اظهار عقیده دادستان کل کشور یا نماینده او شعبه مبادرت به صدور رای می نماید و لی عدم حضور احضارشدگان، بدون عذر موجه، صدور رای را به تاخیر نمی اندازد. مهمترین وظایف دیوان عالی کشور عبارتند از:

۱) نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضائی (اصل ۱۶۱ قانون اساسی).

۲) رسیدگی به تخلف رئیس جمهور و صدور حکم درباره آن (اصل ۱۱۰ قانون اساسی و قانون تعیین حدود وظائف و اختیارات و مسئولیتهای رئیس جمهور مصوب ۱۳۶۵).

۳) رسیدگی به تقاضای تجدید نظر از احکام دادگاه کیفری استان و دادگاه نظامی ۱ و نیز حل اختلاف در صلاحیت و احاله.

۴) رسیدگی به درخواستهای اعاده دادرسی کیفری و فرجامخواهی.

۵) رسیدگی به درخواستهای تجدیدنظر نسبت به آراء قطعی در شعبه تشخیص دیوان نسبت به پرونده های قبلی باقی مانده در اجرای تبصره ۲ ماده ۱۸ قدیم قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب (اصلاحی ۸۱).

دادستانی کل کشور در مورد کلیه آراء متناقض اظهار نظر ابتدائی نموده و به منظور ایجاد وحدت رویه قضائی، آراء مختلف فیه شعبه های دیوان عالی یا آراء معارض دادگاههای تالی در موضوع واحد را که منجر به استنباطات گوناگون از قانون شده در هیات عمومی دیوانعالی کشور مطرح می نماید. هیات عمومی دیوانعالی کشور با توجه به ماهیت موضوع (حقوقی، جزائی و یا اصدار رای وحدت رویه) آن را تقسیم بندی می کند:

۱) هیات عمومی شعب حقوقی متشکل از رئیس دیوان و روسای شعب حقوقی دیوان است و موضوعاً به احکام اصراری دادگاههای تالی در موارد حقوقی رسیدگی می کند. که این امر در ماده ۴۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ بیان گردیده است؛ «در صورتی که پس از نقض حکم فرجامخواسته در دیوان عالی کشور دادگاه با ذکر استدلال طبق رأی اولیه اقدام به صدور رأی اصراری نماید و این رأی مورد درخواست رسیدگی فرجامی واقع شود، شعبه دیوان عالی کشور در صورت پذیرش استدلال، رأی دادگاه را ابرام، در غیر این صورت پرونده در هیات عمومی شعب حقوقی مطرح و چنانچه نظر شعبه دیوان عالی کشور مورد ابرام قرار گرفت حکم صادره نقض و پرونده به شعبه دیگری ارجاع خواهد شد. دادگاه مرجوع الیه طبق استدلال هیات عمومی دیوان عالی

کشور حکم مقتضی صادر می‌نماید. این حکم در غیر موارد مذکور در ماده (۳۲۶) قطعی می‌باشد.<sup>۱</sup>»  
(۲) هیأت عمومی شعب کیفری با حضور رئیس دیوان و روسای شعب کیفری تشکیل و به احکام اصراری دادگاههای تالی کیفری در خصوص مسائل جزائی رسیدگی می‌کند.  
(۳) هیأت عمومی وحدت رویه دیوانعالی کشور به منظور ایجاد وحدت رویه نسبت به آرا و احکام معارض صادره از شعب دیوانعالی و احکام متناقض دادگاههای تالی با حضور رئیس دیوان، روسا و مستشاران کلیه شعب حقوقی و کیفری تشکیل می‌شود. رای صادره از سوی این هیأت برای کلیه مراجع قضائی کشور لازم الاتباع است.

#### ۱-۱-۳. آرای وحدت رویه

یکی از اختیارات مهم دیوان عالی کشور، صدور آرای وحدت رویه توسط هیئت عمومی دیوان می‌باشد. ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ مقرر نموده است: «هرگاه در شعب دیوان عالی کشور و یا هر یک از دادگاهها نسبت به موارد مشابه اعم از حقوقی، کیفری و امور حسبی با استنباط از قوانین آرای مختلفی صادر شود رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور به هر طریقی که آگاه شوند، مکلفند نظر هیأت عمومی دیوان عالی کشور را به منظور ایجاد وحدت رویه درخواست کنند. همچنین هر یک از قضات شعب دیوان عالی کشور یا دادگاهها نیز می‌توانند با ذکر دلایل از طریق رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور نظر هیأت عمومی را در خصوص موضوع کسب کنند. هیأت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست رئیس دیوان عالی یا معاون وی و با حضور دادستان کل کشور یا نماینده او و حداقل سه چهارم رؤسا و مستشاران و اعضای معاون کلیه شعب تشکیل می‌شود تا موضوع مورد اختلاف را بررسی و نسبت به آن اتخاذ تصمیم نماید. رأی اکثریت که مطابق موازین شرعی باشد ملاک عمل خواهد بود. آرای هیأت عمومی دیوان عالی کشور نسبت به احکام قطعی شده بی‌اثر است ولی در موارد مشابه تبعیت از آن برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم می‌باشد.» آرای هیئت عمومی دیوان عالی کشور داری اعتبار قانونی نسبتاً کاملی است زیرا این آراء قابل تجدیدنظر نبوده و فقط به موجب قانون بی‌اثر می‌شوند. (ماده ۲۷۱ قانون مذکور) در خصوص صدور رای وحدت رویه توسط دیوان می‌بایست توجه نمود که این آرای نباید جایگزین قانونگذاری شود و به عنوان یک قاعده عام مورد استفاده و عمل قرار گیرد بلکه می‌بایستی در موارد موضوعی و فقط در حدود اختیار اعطایی وفق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری انجام شود.<sup>۲</sup> نسخ و ابطال و تغییر آن نیز به تبع تغییر مواد قانونی مربوط به موضوع امکانپذیر می‌باشد.

#### ۲-۱. گفتار دوم: پیشینه و جایگاه موضوع

در پژوهش های حقوقی، بررسی پیشینه و جایگاه کنونی موضوعات حقوقی از اهمیت بسزایی

<sup>۱</sup> - ماده ۳۲۶ ق.آ.م. به موجب قانون آیین دادرسی مدنی جدید نسخ گردیده است.

<sup>۲</sup> - معاونت آموزش قوه قضائیه، رویه قضایی ایران، تهران، ص ۵۴

برخوردار است. زیرا، در بررسی پیشینه و جایگاه موضوعات حقوقی عموماً به ضرورت پیدایش، کارکردها و آثار و نتایج و وضعیت فعلی آنها نیز پرداخته شده و از رهگذر این بررسی طرحی جامع از موضوع مورد بررسی ارائه می‌گردد. در این میحث نیز ضمن چند گفتار زیر به پیشینه و جایگاه حدود حاکمیت آرای وحدت رویه دیوانعالی کشور در حقوق اسلامی، قوانین موضوعه ایران و سایر کشورها و دیوان بین‌المللی دادگستری می‌پردازیم.

#### ۱-۲-۱. پیشینه و جایگاه موضوع در حقوق اسلامی

در حقوق اسلامی آرای وحدت رویه، به مفهومی که امروز معمول است پیش بینی نشده است. اما در برخی از منابع معتبر حقوق اسلامی عباراتی آمده است که جهت بهره برداری علمی قابل ذکر می‌باشد. برای مثال مولف کتاب «تحف العقول» در مورد ابلاغ حکم حکومت مالک اشتر چنین بیان گردیده است: «دو قاضی از یک ملت نباید در اختلاف احکام قرار گیرند باید مورد اختلاف را به کسی که ولی امر شماسست عرضه کنید تا او طبق تعلیمات الهی در آن مورد نظر بدهد آنگاه باید قضات بر طبق این نظر عمل کنند. ای مالک به قضات شهر های حوزه ماموریت خویش بنویس که آراء مورد اختلاف را نزد تو بفرستند و تو آن احکام را بخوان آنچه که مطابق قرآن و سنت و آثار ائمه باشد آنرا تایید کن اگر در مسئله ای درمماندی فقها را بخوان و با آنان به بحث و گفتار بنشین آنچه را که مورد اتفاق نظر آنان است همان را مورد عمل قضات قرار بده.»<sup>۱</sup> بعلاوه در «رساله الصحابه» شرحی از عبدا... بن مقفع خطاب به منصور خلیفه عباسی وجود دارد. طی آن مشروحه اظهار شده است که، «... قضات عراق در موارد مشابه آراء متناقض می دهند که نه مبنایی در کتاب دارد و نه در سنت. از خلیفه خواسته است که این آراء را جمع آوری کرده صواب آن را از خطا جدا کنند و برای ایجاد یک روش واحد رایبی را که خداوند به او الهام می کند اتخاذ کرده و آنرا به صورت دستورالعمل برای قضات بفرستد و آنها را از حکم کردن خلاف آن نهی نماید.»<sup>۲</sup> ابن حزم اندلسی در کتاب «الاحکام» می نویسد، «عبد... بن مسعود به مردم گفت اگر خواستید به دادرسی بپردازید به قرآن رجوع کنید و اگر در آیه های قرآن حکم موضوع را نیافتید به دادرسی پیامبر(ص) مراجعه کنید و اگر در آنجا هم یافت نشد به شیوه دادرسی شایستگان روی آورید و اگر در آنجا چیزی نبود برابر اجتهاد خویش، قضاوت کنید.»<sup>۳</sup> البته دیگر نویسندگان مسلمان نیز از این دست احادیث نقل نموده اند ولی شایان ذکر است که از نظر فقهای امامیه و همچنین فقهای ظاهری، استناد مطلق به آرای پیشینیان به عنوان یکی از منابع صدور احکام صحیح نیست.

<sup>۱</sup> - جعفری لنگرودی، دایره المعارف علوم اسلامی، ج ۴۹۱/۲.

<sup>۲</sup> - مدنی، رویه قضایی، ص ۸۴

<sup>۳</sup> - جعفری لنگرودی، مکتب های حقوقی در حقوق اسلام، ص ۱۸۳-۱۸۰.

۲-۲-۱. پیشینه و جایگاه موضوع در حقوق موضوعه ایران  
۱-۲-۲-۱. قبل از انقلاب اسلامی

طبق قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب ۷ تیرماه ۱۳۲۸، «هرگاه در شعب دیوان عالی کشور نسبت به موارد مشابه رویه های مختلف اتخاذ شده باشد به تقاضای وزیر دادگستری یا رئیس دیوان مزبور و یا دادستان کل، هیأت عمومی دیوان عالی کشور که در این مورد لاقلاً با حضور سه ربع از روساء و مستشاران دیوان مزبور تشکیل می یابد موضوع مختلف فیه را بررسی کرده و نسبت به آن اتخاذ نظر می نمایند در این صورت نظر اکثریت هیأت مذکور برای شعب دیوان عالی کشور و برای دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است و جز به موجب نظر هیأت عمومی یا قانون، قابل تغییر نخواهد بود.» همچنین طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آئین دادرسی کیفری اول مرداد ۱۳۳۷ کمیسیون مشترک خاص دو مجلس، «هرگاه از طرف دادگاه ها اعم از جزائی و حقوقی راجع به استنباط از قوانین رویه های مختلفی اتخاذ شده بناتشد دادستان کل پس از اطلاع مکلف است موضوع را در هیأت عمومی دیوان عالی کشور مطرح نموده رأی هیأت عمومی را در آن باب بخواهد. رأی هیأت عمومی در موضوعاتی که قطعی شده بی اثر است ولی از طرف دادگاه ها باید در موارد مشابه پیروی شود.» همانطور که ملاحظه می شود قبل از انقلاب اسلامی دو قانون عادی یکی در سال ۱۳۲۸ و دیگری در سال ۱۳۳۷ به هیأت عمومی دیوان عالی کشور اجازه داده بود در جهت وحدت بخشیدن به آراء محاکم و شعب دیوان عالی کشور تصمیمی اتخاذ نماید که در موارد مشابه لازم الاتباع باشد و جز با قانون و رأی وحدت رویه دیگری تغییر پیدا نکند، قضات مکلف به تبعیت از آن بودند. به عبارت دیگر دیوان مکلف بود که مراقبت نماید هرگاه در مقام رسیدگی استنباطات مختلفی که از قوانین وجود دارد، رویه ای اتخاذ نماید که در موارد مشابه لازم الاتباع باشد یعنی قاعده کلی را بیان کند که جز با قانون و رأی وحدت رویه دیگری قابل تغییر نباشد.

۲-۲-۲-۱. بعد از انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مواد قانونی فوق الذکر با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی و قوانین عادی ملغی نگردید بلکه موارد اعمال آن بیشتر شد. پس از انقلاب اسلامی، هیأت عمومی دیوان عالی کشور در موارد بسیاری رأی وحدت رویه لازم الاتباع صادر کرده و به قانون عادی ۱۳۲۸ و ۱۳۳۷ استناد کرد. زیرا، بر طبق اصل ۱۶۱ قانون اساسی این وظیفه برای دیوان عالی کشور مقرر شده است. طبق این اصل، «دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی ... تشکیل می گردد.» تصریح قانون اساسی به اینکه ایجاد وحدت رویه قضایی از وظایف دیوان عالی کشور است و این تصریح در زمانی صورت گرفته که هیأت عمومی قوانین سال ۱۳۲۸ و ۱۳۳۷ را به همین منظور اجراء می کرده که حاکی است قانون اساسی همین روش را پذیرفته است و به قوه قضائیه بر خلاف تفکیک قوا اجازه داده قاعده کلی لازم الاتباع وضع کند. مراجعه به اصول قانون اساسی نشان می دهد که به استقلال سه قوه مقننه، اجرائیه و قضائیه تصریح شده (قسمت اخیر اصل ۵۷) و در اصول ۵۸ و ۶۰ و ۶۱ به ترتیب تفنین و اجراء و قضاء برای آنها معین گردیده است. البته در برخی از موارد نیز امر تداخل قوا در اصول قانون اساسی بچشم می خورد. هر یک از سه قوا علاوه از وظیفه خاص خود بخشی از وظایف دو قوه دیگر را هم عهده دار است. قوه مقننه هم وظایف شبه قضایی دارد (اصل ۹۰ - اصل ۵۵) و

هم وظایف اجرائی (اصل ۸۷، ۸۸ - ۸۹ و بعضی اصول دیگر) قوه مجریه با صلاحیت تصویب تصویب نامه ها، آئین نامه ها، اساسنامه ها (اصل ۱۳۸ - ۷۴) در امر قوه مقننه دخالت می نماید و با حق تشکیل کمیسیون ها و هیات های گوناگون عملاً در حل و فصل قسمتی از اختلافات و منازعات شرکت دارد (قوانین مالیاتی و اداری) و بنابراین وضع قوه قضائیه هم در تداخل وظایف، همچون دو قوه دیگر است. زیرا، در عین اینکه مرجع رسمی تظلمات و شکایات است و قاضی موظف است حکم هر دعوی را از قانون بیابد و نمی تواند از رسیدگی امتناع نماید به وضع بی سابقه ای وظایف اجرائی و در حدی وظایف تقنینی پیدا کرده است. رئیس قوه قضائیه همگام با رئیس جمهور و رئیس مجلس در ایجاد و ارائه خط مشی ها و سیاستهای کلی نظام نقش دارد (اصل ۱۷۶) در شورای بازنگری قانون اساسی (اصل ۱۷۷)، شورای عالی امنیت ملی (اصل ۱۷۶)، مجمع تشخیص مصلحت نظام (اصل ۱۱۲) شورای موقت رهبری (اصل ۱۱۱)، شورای پیگیری انتخاب رئیس جمهور (اصل ۱۳۱) مشارکت دارد. نمایندگان مثل نمایندگان دو قوه دیگر نسبت به سازمان صدا و سیما نظارت دارند. اصل (۱۷۵) و حتی با پیشنهاد وزیر دادگستری به رئیس جمهور در ترکیب دولت هم به نوعی سهیم می باشد (اصل ۱۶۰) و با توجه به اصول ۱۵۶ و ۱۵۸ و ۱۶۰ و ۱۷۴ وظایف اجرائی مستقیم این قوه کم نیست علاوه از تهیه لوایح قضایی متناسب (بند اصل ۱۵۸) که بعهد این قوه گذاشته شده در اصل ۱۶۱ رسماً صریحاً «ایجاد وحدت رویه قضایی» را یکی از وظایف دیوان عالی کشور شناخته است. بنابراین در حال حاضر طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ اشعار می دارد: «هرگاه در شعب دیوان عالی کشور و یا هر یک از دادگاهها نسبت به موارد مشابه اعم از حقوقی، کیفری و امور حسبی با استنباط از قوانین آرای مختلفی صادر شود رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور به هر طریقی که آگاه شوند، مکلفند نظر هیأت عمومی دیوان عالی کشور را به منظور ایجاد وحدت رویه درخواست کنند. همچنین هر یک از قضات شعب دیوان عالی کشور یا دادگاهها نیز می توانند با ذکر دلایل از طریق رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور نظر هیأت عمومی را در خصوص موضوع کسب کنند. هیأت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست رئیس دیوان عالی یا معاون وی و با حضور دادستان کل کشور یا نماینده او و حداقل سه چهارم رؤسا و مستشاران و اعضای معاون کلیه شعب تشکیل می شود تا موضوع مورد اختلاف را بررسی و نسبت به آن اتخاذ تصمیم نماید. رأی اکثریت که مطابق موازین شرعی باشد ملاک عمل خواهد بود. آرای هیأت عمومی دیوان عالی کشور نسبت به احکام قطعی شده بی اثر است ولی در موارد مشابه تبعیت از آن برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم می باشد.» آرای هیئت عمومی دیوان عالی کشور داری اعتبار قانونی نسبتاً کاملی است زیرا این آراء قابل تجدیدنظر نبوده و فقط به موجب قانون بی اثر می شوند. (ماده ۲۷۱ قانون مذکور)

### ۱-۲-۳. پیشینه و جایگاه موضوع در دیوان بین المللی دادگستری

رویه قضایی نه تنها در حقوق داخلی محل بحث و مورد توجه است بلکه در جامعه بین المللی هم قابل شناسایی و مورد استناد قرار می گیرد. مهمترین مرجعی که از آراء وحدت رویه در سطح بین المللی استفاده می نماید دیوان بین المللی دادگستری می باشد. دیوان بین المللی دادگستری یا دادگاه جهانی، رکن قضائی اصلی سازمان ملل متحد است (ماده ۹۴ منشور ملل متحد) که در شهر لاهه، هلند واقع است. زبان های رسمی دیوان فرانسوی و انگلیسی هستند. دیوان ۱۵ قاضی دارد که آن ها



را مجمع عمومی سازمان ملل متحد و شورای امنیت مشترکا برای نه سال انتخاب می‌کنند. هر سه سال پنج کرسی قضاوت خالی می‌شود و پنج قاضی دیگر به جمع قضات اضافه می‌شوند. اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری جزء لاینفکی از منشور ملل متحد است و از اجزای اصلی نظم حقوقی موضوعه بین‌المللی به شمار می‌آید. همچنین اساسنامه دیوان از اساسنامه دیوان دایمی داوری اقتباس شده و تقریباً مشابه یکدیگراند. از قضاوت‌های مشهور دیوان رسیدگی به شکایت انگلستان از دولت ایران درباره شرکت نفت ایران و انگلیس بود که دیوان با رد شکایت انگلستان، خود را صالح به رسیدگی ندانست و به پیروزی ایران در پرونده نفت، منجر شد (قاضی اختصاصی ایران در آن دادگاه، دکتر کریم سنجابی از یاران دکتر مصدق بود. تاکنون دو دستگاه قضایی، عهده‌دار حل اختلافات بین‌المللی شده‌اند؛ اولی، دیوان دایمی دادگستری بین‌المللی بود که در ۱۹۲۰ میلادی ایجاد و در ۱۸ آوریل ۱۹۴۶ منحل شد و دیگری، دیوان بین‌المللی دادگستری معروف به دادگاه لاهه است که بلافاصله پس از انحلال دیوان قبلی، جایگزین آن شد و هم‌اکنون نیز به فعالیت خود در شهر لاهه هلند (کاخ صلح) ادامه می‌دهد.<sup>۱</sup> دیوان، یکی از ارکان اصلی سازمان ملل متحد است و کلیه کشورهای عضو این سازمان به طور خودکار، عضو دیوان بین‌المللی دادگستری می‌شوند و حق رجوع به دیوان را دارند. دیوان صلاحیت رسیدگی به دعاوی موارد زیر را داراست: (فقط کشورها صلاحیت صلاحیت مراجعه به دیوان را دارند. بند ۱ ماده ۳۴ اساسنامه). ۱- کشورهای عضو سازمان ملل متحد به خودی خود قبول کنندگان اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری هستند (بند ۱ ماده ۹۳ منشور). ۲- کشورهای دیگر که عضو سازمان ملل متحد نیستند، یا نمی‌توانند عضو این سازمان باشند با قبول شرایط شورای امنیت که در قطعنامه مورخ ۱۵ اکتبر ۱۹۴۶ شورای امنیت آمده‌است، حق مراجعه به دیوان را دارند. ۳- هر کشوری که عضو سازمان ملل متحد نیست می‌تواند با قبول شرایطی که در هر مورد بر حسب توصیه شورای امنیت توسط مجمع عمومی معین می‌گردد اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری را قبول نماید. افراد: علی‌رغم وجود بند ۱ ماده ۳۴ افراد می‌توانند با توسل به اصل حمایت دیپلماتیک از کشور متبوع خود، تقاضای رسیدگی در دیوان نمایند. سازمان‌های بین‌المللی به هیچ وجه نمی‌توانند در جهت حل اختلاف خود به دیوان تقاضای رسیدگی دهند اما بند ۲ و ۳ ماده ۳۴ اساسنامه شرایط و نحوه همکاری بین دیوان و سازمان‌های بین‌المللی را مشخص نموده. دیوان می‌تواند طبق شرایط مقرر در آیین‌نامه خود در مورد دعاوی که به دیوان رجوع شده‌است از مؤسسه‌های بین‌المللی عمومی اطلاعات بخواهند و نیز اطلاعاتی را که این مؤسسات مبتکر به دیوان می‌دهند دریافت خواهد کرد. هرگاه در ضمن دعوی که به دیوان رجوع گردیده تفسیر سند یک مؤسسه بین‌المللی عمومی و یا تفسیر قرارداد بین‌المللی که به موجب آن سند قبول شده‌است مطرح و مباحثه گردد دفتر دیوان باید صورت‌جلسات کتبی محاکمه را به اطلاع آن مؤسسه برساند. آرای دیوان تنها نسبت به کشورهای طرف دعوا و در موردی که موضوع

<sup>۱</sup> - ضیائی بیگدلی، حقوق بین‌الملل عمومی، ص ۳۶.

حکم بوده‌اند لازم‌الاجرا است (ماده ۵۹ اساسنامه).<sup>۱</sup> همچنین آرای صادره از سوی دیوان از اعتبار امر مختومه برخوردار است و قابل تجدیدنظر نمی‌باشد. طرفین دعوی مطابق بند ۱ ماده ۹۴ منشور سازمان ملل و ماده ۵۹ اساسنامه دیوان، متعهد به متابعت از آرای دیوان هستند. در صورت بروز اختلاف در معنا و حدود حکم، دیوان بنا به درخواست هر یک از طرفین رأی صادره را تفسیر رأی خود را دارد (ماده ۶۰ اساسنامه). چنانچه کشوری از اجرای تعهداتی که به موجب رأی صادره از دیوان استنکاف کند، طرف دیگر حق خواهد داشت، به شورای امنیت شکایت کند و شورای امنیت در صورت ضرورت تصمیماتی اتخاذ می‌نماید (بند ۲ ماده ۹۴ منشور).

#### ۱-۲-۴. پیشینه و جایگاه موضوع در حقوق سایر کشورها

در خصوص حاکمیت آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور در امور مدنی در سایر کشورها، علی‌الاصول باید بین کشورهای دارای حقوق نوشته مثل فرانسه، بلژیک، آلمان و کشورهای متکی به نظام حقوقی کامن لا مثل انگلیس، آمریکا، کانادا، استرالیا قائل به تفکیک شد.

#### ۱-۲-۴-۱. نظام حقوق نوشته

در کشورهای تابع حقوق نوشته، قانون محور تصمیمات قضایی است. هر گونه تغییر و اصلاح قانون از جانب قوه مقننه صورت می‌گیرد. البته تا اواخر قرن نوزدهم فرض می‌شد که دادگاه‌ها وظیفه ای جز اجرای قانون ندارند و برای درک و فهم حکم قانون فقط اعمال قوانین نبود بلکه مقتضیات و شرایط و اوضاع و احوال زمان اجرای قانون ایجاب می‌کرد تغییراتی در قوانین بوجود آورند و با تفسیر موسع مشکلات را حل نمایند. یکی از مسائل مهم در این رابطه مسئله خسارات وارده به اشخاص بود. طبق قانون مدنی فرانسه (ماده ۱۳۸۲) هر نوع عملی که از انسان سرزند و باعث خسارت به دیگری شود شخصی که به علت خطای او خسارت وارد آمده ملزم به جبران خسارت وارده می‌باشد. از این ماده دو برداشت متفاوت و دو نظریه مجزا بوجود آمد. نظریه تقصیر و نظریه خطر. در تعریف تقصیر باید گفت: «تجاوز از رفتاریست که انسانی متعارف در همان شرایط وقوع حادثه دارد. برای احراز تقصیر باید کاری را که انجام شده با رفتار انسان عادی که معیار تمیز است به طور نوعی در شرایطی که حادثه در آن رخ داده است مقایسه کرد. مقصود از این شرایط نیز اوضاع و احوال خارجی است نه داخلی مانند نقص روانی یا جسمی.»<sup>۲</sup> پس از انقراض حکومت روم افکار حقوقدانان رومی و ضوابط و اصول پذیرفته شده در مجموعه قوانین ژوستینین در کشور فرانسه رسوخ کرد. کشور فرانسه با الهام از مبانی در حقوق روم، اساس

<sup>۱</sup> - دولت‌شاه، منشور سازمان ملل متحد، ص ۴۱.

<sup>۲</sup> - کاتوزیان، وقایع حقوقی، ص ۷۷-۶۵.

مسئولیت را بر تقصیر بنا نهادند.<sup>۱</sup> در مقابل نظریه خطر مطرح گردید. طبق این نظریه که بر اثر تحولات انقلاب صنعتی در اروپا به وجود آمد، «تقصیر را نباید تنها عامل ایجاد کننده مسئولیت دانست، بلکه رابطه علیت بین ورود ضرر و فعل زیان بار را کافی می دانند.»<sup>۲</sup> در اینجا بود که دیوان عالی کشور وارد شد و در یک رای وحدت رویه، مقرر نمود که برای احراز مسئولیت مدنی تقصیر الزاماً شرط نیست.<sup>۳</sup> در کشور آلمان، دیوان عالی آن کشور در سال ۱۹۲۰ نظریه تجدید نظر در قرار داد به علت حوادث پیش بینی نشده را که قبلاً مردود اعلام کرده بود پذیرفت و از ماده ۲۴۲ قانون مدنی آلمان چنین رای وحدت رویه صادر نمود که، «طرفین قرارداد باید با حسن نیت رفتار کنند. همچنین دیوان عالی کشور آلمان در رای وحدت رویه خود که در سال ۱۹۲۳ صادر شد. دیوان عالی کشور آلمان در رای مذکور با رد ارزش اسمی موضوع قرارداد، چنین مقرر نمود که، «بدهکار باید مقداری پول برابر با مبلغ دریافتی پرداخت کند تا برائت ذمه حاصل نماید.» بنابراین طبق این رای دیوان عالی کشور آلمان، ارزش واقعی مبلغ بازپرداخت با ارزش اسمی متفاوت می باشد.<sup>۴</sup>

#### ۱-۲-۴-۲. نظام کامن لا

نظام حقوقی کامن لا در انگلستان پس از تسلط نورمان ها بر این کشور بتدریج پدید آمد. نورمان ها که به منطقه نورماندی فرانسه تعلق داشتند در قرن یازدهم میلادی (۱۰۶۶م) پس از دستور گیوم فاتح (گیوم اول) و حمله به انگلستان به این کشور مسلط گردیدند. و در نتیجه سیستم قضائی نورمان ها و فعالیت دادگاههای شاهی در طول تاریخ حقوق کامن لا شکل گرفت. خانواده کامن لا علاوه بر حقوق انگلیس که منشأ این حقوق هم تلقی می شود حقوق اکثر کشورهای انگلیسی زبان را تحت تأثیر قرار داده است و سازمانهای اداری، قضائی و آئین های دادرسی مدنی و کیفری و ادله اثبات دعوی این کشورها بنحوی از نظام حقوق انگلیس الگوبرداری کرده اند. در تاریخ حقوق انگلیس چها دوره اصلی مطرح می باشد که آشنائی با آنها دارای اهمیت اساسی است:

۱- دوره انگلوساکسون

۲- دوره تشکیل کامن لا

۳- پیوند کامن لا با انصاف

۴- تغییرات بنیادی دوره جدید

<sup>۱</sup> - قاسم زاده، مبانی مسئولیت مدنی، ص ۲۸۵.

<sup>۲</sup> - کاتوزیان، ناصر، وقایع حقوقی، ص ۱۹۷.

<sup>۳</sup> - مدنی، جلال‌الدین، رویه مدنی، ص ۸۵.

<sup>۴</sup> - داوید، رنه، نظام های بزرگ حقوقی معاصر، ترجمه حسین صفایی و محمد آشوری و عزت ... عراقی، ص ۱۱۴.

برای پرهیز از اطاله مطلب تنها اشاره ای به دوره کامن لا می گردد. پیروزی نورمن ها در سال ۱۰۶۶م وضعیت حاکمیت قوانین انگلوساکسون را تغییر نداد، گیوم فاتح، خود را به عنوان وارث ادوارد خستو، پادشاه انگلوساکسون (۱۰۶۶-۱۰۰۴م) که به سبب تقوی وی را (confesseur) به معنای معترف (خستو) می خواندند معرفی کرد و لذا صریحاً اعلام نمود که قدرت اجرایی حقوق انگلوساکسون محفوظ می باشد.

پیروزی نورمن ها از آن جهت در تاریخ انگلستان مهم است که اولاً این کشور توسط نیرویی اشغال شده بود که دارای قدرتی نیرومند و دارای تجربه ارزشمندی بود که سیستم اداری خویش را در دوک نشین نورماندی به بوتۀ آزمایش و محک تجربه گذارده بود. ثانیاً با پیروزی نورمن ها حکومت قبایل پایان یافت و فئودالیتۀ در انگلستان مستقر گردید. البته باید توجه داشت که فئودالیتۀ حاکم بر انگلستان با فئودالیتۀ ای که در همان زمان در فرانسه، ایتالیا و آلمان حاکمیت داشت بکلی متفاوت بود. زیرا نورمن ها که بعنوان اشغالگران محسوب می شدند برای حفظ و تداوم حاکمیت خویش بر دور پادشاه خود گرد آمده بودند و فئودالها و بزرگ مالکان مستقیماً با شاه در ارتباط بودند، و در واقع بارونی ها (Baron عنوان اشرافی است) با روحیه تشکیلاتی و انضباط، چیزی به مثابه ارتش را تشکیل داده و با انجام یک کار سرشماری (آمار) به نوشتن سندی به نام دمدی (Domesday) اقدام کرده، پانزده هزار ملک (manor) و دویست هزار خانواده موجود در انگلستان را سرشماری و به ثبت رساندند. این جنبۀ حکومت مرکزی و سازمان یافته تشکیلاتی از عواملی است که گسترش کامن لا را میسر و تسهیل نمود.<sup>۱</sup> حقوقدانان انگلیس تا قرن نوزدهم بیشترین توجه شان بر آئین دادرسی های متنوع و بسیار تشریفاتی بود، و به جای پرداختن به این نکته که راه حلهایی عادلانه برای دعاوی جستجو کنند در توجه به آئین دادرسیها این هدف را تعقیب می کردند تا سؤالات مربوط به موضوع را برای ارجاع به هیئت منصفه تهیه نمایند. تشکیل دادگاههای بدون حضور هیئت منصفه تقریباً بطور کلی منسوخ و متروک شده بود و می توان گفت گسترش حقوق انگلیس بیشتر متوجه مسائل مربوط به آئین دادرسی بود. این امر به حدی در حقوق انگلیس تأثیر گذارده است که «میتلند» گفته است: «ما اشکال دعوی را لغو کردیم ولی آنها هنوز از گورهای خود بر ما حکومت می کنند». در کشورهای کامن لا<sup>۲</sup> دیدگاه عمومی حاکم بر نظام حقوقی این است که تصمیم یک دادگاه عالی قاعده حقوقی ایجاد می نماید. پیشینه یا سابقه قضایی در کامن لا این مفهوم را دارد که قضات در رسیدگی به دعاوی باید از تصمیمات دادگاه های بالاتر و استدلال آنها در دیگر پرونده های مشابه استفاده کنند. در کامن لا قاضی مفسر قانون نیست بلکه وی توانایی دارد که در انبوهی پیشینه قضایی نکته مورد نظر را دریابد و آن را بکار ببندد. در کامن لا قاضی ایجاد کننده

<sup>۱</sup> - رنه؛ ژوفره و اسپینوزی، کامی، درآمدی بر حقوق تطبیقی و دو نظام بزرگ حقوقی معاصر. ترجمه سید حسین صفایی. ص ۳۵.

<sup>۲</sup> - در ایالات متحده آمریکا که در ابتدا انگلیس ها آن را مستعمره خود ساختند حقوق انگل و ساکسونی که ریشه کامن لا بود رایج شد. آمریکایی ها پس از استقلال در ۱۷۷۶ از لحاظ حقوقی در خانواده کامن لا باقی ماندند و فقط نیو اورلئان که در ۱۸۱۲ به ایالت لوئیزیانا معروف شد متأثر از حقوق اسپانیا است. نظام حقوقی کشور اسپانیا نیز در خانواده حقوق نوشته جا می گیرد.